

خیلواکی



استقلال

www.esteglaal.net

جمعه ۳۰ اکتوبر ۲۰۲۶

فریده نوری

حُب وطن

به هر فصلی غمی، هر صفحه انبوه بی اندوهی
وطن جان خسته ام، پایان خوب داستان تو ؟



زنده باد آن کس که هست از جان هوادار وطن
هم وطن غمخوار او و هم اوست غمخوار وطن
داکتری فهمیده باید دست در درمان زند
تا ز نو بهبود یابد حال بیمار وطن
هر که دور از میهن خود در دیار غربت است
از برایش سرمه چشم است دیدار وطن
تا خس و خاری خیانت را نسازی ریشه کن
کی مصفا می شود بهر تو گلزار وطن
پیکر مام وطن دانی چرا خم گشته است

زانکه مشت اجنبی خواهند، سربار وطن
به که در فکر وطن باشیم و فکر کار او
پیش از آن کز دست ها بیرون رود کار وطن

رہمی معیری

در ره فرهنگ و آئین وطن غفلت موز
ملک بی فرهنگ و بی آئین درختی بی بر است

ای وطنم
ای سلامم، ای سرودم
ای نگهبان وجودم
ای غمم تو، شادی ام تو
مایه آزادی ام تو
ای وطن!
ای دلیل زنده بودن
ای سرودی صادقانه
ای دلیل زنده ماندن
جان پناهی جاودانه